



پیشانی ولایت فزاید تا بر این کلمت آسبی نرود



ولایت اساس کار نظام خلقت



غدیر باوری و اربعین

واقعۀ مهم و ماندگار غدیر، یاد آور اصل مهم الهی یعنی حکمرانی حاکم الهی در زندگی است. حکمران الهی، جهان را به سمت نظم و عدالت می کشاند. چرا که ولی خدا مردم را به سمت خدا دعوت می کند و آنچه به مردم می گوید و از آنان می خواهد، بر اساس خواست پروردگار عالم است. عدالت به معنی جای گیر شدن هر چیزی در جای خودش با آن معیارهایی که خداوند برایش ترسیم کرده به برکت مدیریت کلان امام معصوم امکان پذیر است.

متأسفانه فراموشی غدیر و تنها گزاردن صاحب غدیر یعنی امیر المؤمنین علیه السلام توسط مردمی که بیعت با مولا علیه السلام به گردنشان بود، امت اسلامی را به ورطه ضلالت کشاند و باعث شد حاکمان جور همچون بنی امیه و بنی العباس بر کیان اسلامی حکومت کنند که دامنه ظلمشان جهانگیر شد. شهادت جانشوز فرزند رسول خدای حضرت حسین بن علی علیه السلام در عاشورا نتیجه فراموشی غدیر بود.

بازگشت اسرای اهل بیت علیهم السلام از شام به کربلا جهت زیارت شهدای دشت نینوا تجدید عهدی بود با امامی که هرگز ظلم را نپذیرفت و تا حاکمیت غدیر و ولایت بر جامعه جان خود و عزیزترین کسان خود را تقدیم کرد.

نظم نوین در جهان با محوریت «الله» و حکمرانی «ولی الله» تنها با «غدیر باوری» و «الترام عملی به ولایت» امکان پذیر است. هرکسی که داعیه ولایتمداری و عدالت خواهی دارد ناچار باید غدیر باور و غدیری باشد و در ترویج این مهم کوتاهی ننماید. محدود کردن تبلیغ غدیر به ایام دهه امات و ولایت نوعی ظلم به غدیر و مولا امیر المؤمنین علیه السلام است.

محمد علی فتحی

آیت الله حسینی همدانی نماینده ولی فقیه در استان البرز و رئیس بنیاد بین المللی غدیر استان البرز:

- مسئله ولایت و امامت اساس کار نظام خلقت است، لذا رسول خدا -صلی الله علیه و اله و سلم- در روزهای پایانی عمر مأمور به تتمیم امر ولایت شدند.
- حدیث غدیر حدیثی است که ۱۲۰ هزار شاهد دارد و اساس ولایت را تثبیت می کند نه صرفاً ولایت امیرالمؤمنین سلام الله علیه.
- خطبه غدیر در راستای بحث ولایت به موضوع مهدویت هم پرداخته و چندین بار از حضرت مهدی -علیه السلام- در این خطبه نام برده شده است که همین امر لزوم پرداختن به رابطه غدیر و مهدویت را قوت می بخشد.
- در طول تاریخ اسلام، جامعه انسانی از روش مدیریتی و حاکمیتی اهل بیت محروم بودند. لذا بر محتوای غدیر که مسئله ولایت است در طول سال و در این ایام، به خصوصه باید پرداخت.
- انواع پیمانها در خطبه غدیر توسط رسول خدا از مردم گرفته شده که یکی از آنها رساندن این خطبه، نسل به نسل الی یوم القیامه است؛ که البته در این زمان بخش عمده ای از آن بر عهده آموزش و پرورش است.
- شیعیان در مقام بیان، بر معنا و محتوای واژه ولایت در عبارت «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاً» معتقد به بحث حکومت اند؛ اما متأسفانه در مقام عمل به روش اهل سنت ولایت را محدود به محبت می کنند و اصل آن را ترویج نمی کنند.
- ولایت، ولایت مطلقه الهیه است که حکومت دینی و اجرای حدود الهی مظهر آن است که از این مطلب نباید غافل شد و باید جلسات تبیینی و تشریحی برای آن برگزار کرد.
- برای آشنایی با محتوای خطبه غدیر مناسب است که در مساجد به خطبه خوانی در روزها و شبهای متوالی پرداخته شود.

<http://emamjomekaraj.ir/>



قضیه غدیر، قضیه جعل حکومت است.



عذاب منکر ولایت

بعد از غدیر

آیت الله حسین گنجی اشتهاردی:

آن گاه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مسأله ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام را در غدیر تبیین نمودند و مردم با حضرت علی علیه السلام بیعت کردند .

خبر آن ، در جای جای منطقه و سرزمین های مختلف پیچید تا آنان که در این حجّ با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همراه نبودند نیز ، از این خبر آگاه شدند .

در همان روزها حارث بن نعمان با شتر خویش آمد و آن را کنار در مسجد بست و وارد مسجد شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد بود و اصحابش پیرامون ایشان نشسته بودند .

آن مرد پیشاپیش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر دو زانو نشست و عرض کرد :

ای محمد! تو به ما فرمان دادی که گواهی بدهیم ، خدایی جز الله نیست و تو رسول خدایی . ما نیز پذیرفتیم . تو به ما فرمان دادی که شبانه روز پنج نماز بخوانیم. در ماه رمضان روزه بگیریم. به حج خانه خدا برویم و زکات مال را بپردازیم ، ما نیز پذیرفتیم ، ولی به این اندازه راضی نشدی ، تا این که دست عموزاده خود را بالا بردی و او را بر مردم برتری دادی و گفتی :

هر کس من مولای او هستم ، علی نیز مولای اوست. این سخن توست یا سخن خداوند؟ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که دیدگانش قرمز شده بود فرمود :

به خدایی که جز او خدایی نیست. این امر از جانب خداوند است و از سوی من نیست. این گفته را سه مرتبه تکرار نمود. در این هنگام آن مرد برخاست و می گفت: خدایا! اگر آن چه محمد می گوید، حق است، سنگی از آسمان بر ما فرو فرست. راوی می گوید :

به خدا سوگند، هنوز آن مرد به شترش نرسیده بود که خداوند از آسمان سنگی را به سوی او پرتاب کرد و بر فرق او اصابت کرد و از دُبرش رفت. او ناگهان جان داد و خداوند متعال این آیه را بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرد: ﴿سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ﴾

منبع: سخنرانی آیت الله حسین گنجی اشتهاردی ، دوشنبه ۶ ذی الحجه

۱۴۴۱ هجری قمری _سلسله مباحث غدیر_ قم مقدسه



امام خامنه ای مدظله:

نهج البلاغه او کتاب تقواست و زندگی او راه و رسم تقواست.

اگر ما در شرایط کنونی جهان اسلام که عدد مسلمانها عدد کثیری است و اقطار وسیعی از جغرافیای عالم را گرفته اند و آراء و عقاید و نظرات، اجتهادها و مکتبهای گوناگون بر ذهن و روحشان حاکم است، اگر بتوانیم متون صدر اسلام را احیاء کنیم کمک زیادی به ایجاد یک محور اصلی برای این اجتهادها کرده ایم. نهج البلاغه را از این دیدگاه نگاه کنید. نهج البلاغه با این دیدگاه هرگز با کتاب حدیث فلان صحابی یا تابعی که پنجاه سال، شصت سال، صد سال، صد و چهل سال بعد از هجرت بوده قابل مقایسه نیست. نهج البلاغه کلام اولین مؤمن به وحی محمدی است. و کلام خلیفه پیغمبر، خلیفه ای که همه مسلمانها بر او اتفاق نظر دارند، و امامی که به اعتقاد شیعه و بسیاری از اهل سنت افضل صحابه است. یعنی انسانی در این حد عظمت و اهمیت، سخنانش، سخنرانیهایش، خطبه هایش، عینا باقی مانده و این میتواند نشان دهنده متنی عظیم و اصیل از معارف اسلامی باشد. اخلاق هست، زهد هست، رهبری در جامعه هست، نظام سیاسی هست، نظام اجتماعی هست، عرفانی هست. ما میتوانیم پایه های اعتقاد کامل و جامع به اسلام را در این کتاب پیدا کنیم.

این کتاب وقتی در کنار قرآن قرار بگیرد، یقینا تالی قرآن است. یعنی ما دیگر کتابی نداریم که دارای این حد از اعتبار و جامعیت و قدمت باشد. لذا احیای نهج البلاغه وظیفه ما شیعیان تنها نیست، وظیفه همه مسلمان هاست، یعنی هر کس علی بن ابی طالب علیه السلام را قبول دارد، و مسلمان است- چون در اسلام کسی نیست که این بزرگوار را قبول نداشته باشد- همه مسلمانها به عنوان احیای یک میراث بینظیر اسلامی باید نهج البلاغه را زنده کنند. و این احیا نه فقط به معنای کثرت چاپ، که خوب زیاد هم چاپ شده، بلکه به معنای کار کردن و تحقیق کردن در زمینه آن است، همچنان که در زمینه قرآن کریم کار شده، تفسیرهای زیادی نوشته شده، در علوم قرآنی کار شده، درباره نهج البلاغه هم باید این کارها انجام گیرد. همان طور که قرآن خوانده میشود نهج البلاغه هم باید خوانده شود. چون تالی قرآن است، دنباله قرآن است. همان طور که مسلمانها خودشان را موظف میدانند با قرآن انس پیدا کنند و ندانستن قرآن را برای خود نقص می شمارند، ندانستن نهج البلاغه هم باید نقص به حساب بیاید.

بیانات در پنجمین کنگره ی بین المللی نهج البلاغه، ۷۲/۱۲/۲۳